

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
سال دوم شماره ۷ پائیز ۱۳۸۶
پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت

زهره دانشورپور - کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

زیبا غنایی - کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

امید شکری - دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی

حسن رضا زین‌آبادی - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر صمیمیت اجتماعی دانش‌آموزان بود. در نمونه‌ای متشکل از ۲۰۹۹ آزمودنی (۱۰۰۸ پسر و ۱۰۹۱ دختر)، پرسشنامه‌های سبک‌های هویت برزونسکی (ISI-6G) (وایت و مپلر وین، ۱۹۹۸) و صمیمیت اجتماعی میلر (MSIS) (میلر و لفقورت، ۱۹۸۲) اجرا شد. با استفاده از تحلیل مسیر، اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های هویت بر تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده بیانگر این است که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار؛ سبک هویت هنجاری بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار؛ جنس و سبک هویت سردرگم / اجتنابی بر تعهد اثر مستقیم منفی و معنادار دارد. اثر غیر مستقیم سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری از طریق تعهد بر صمیمیت اجتماعی مثبت و غیرمعنادار؛ اثر غیرمستقیم جنس و سبک سردرگم از طریق تعهد بر صمیمیت اجتماعی منفی و غیرمعنادار به دست آمد. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که متغیر تعهد هویت نتوانست رابطه بین سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی در دو جنس را میانجی‌گری کند. تلویحات یافته‌های پژوهش با تاکید بر نقش آموزش روش‌های کارآمد مواجهه با تکالیف هویتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سبک‌های هویت، صمیمیت اجتماعی، تعهد هویت، جنسیت.

نوجوانی زمانی مناسب برای شکل‌دهی هویت^۱ - احساس و مفهومی از خود - است که هم تاریخیچه گذشته فرد و هم ظرفیت‌های مورد نیاز برای سلامت روان‌شناختی در بزرگسالی را درهم می‌آمیزد. رشد جسمی سریع و وسیع، تغییرات در انتظاراتی که دیگران از رفتار نوجوان و اهداف آینده وی دارند و تغییر ظرفیت‌ها برای استدلال در مورد دنیای اشیاء، رویدادها، افراد و روابط، اطلاعات بیشتر و متنوع‌تری را در مورد حال و آینده برای وی فراهم می‌آورد (شهرآرای، ۱۳۸۴).

شکل‌گیری هویت زمینه را برای برخی چالش‌های اساسی در سال‌های جوانی مهیا می‌سازد: از جمله ایجاد صمیمیت^۲ یا ظرفیتی برای بازبودن دوطرفه و مشارکت در روابط با دیگران. توانایی برقراری روابط صمیمانه با دیگران، یکی از عوامل کلیدی در سلامت و بهزیستی روانی^۳ افراد بزرگسال محسوب می‌شود (نولر، فینی و پیترسون، ۲۰۰۱؛ ریز، کالینز و برشید، ۲۰۰۰؛ نقل از مونتگومری^۴، ۲۰۰۵؛ ریف، ۱۹۹۱؛ نقل از ریف و کییز^۵، ۱۹۹۵). افراد جوان جهت کسب آمادگی برای این مزیت بالقوه مراحل زیر را پشت سر می‌گذارند: روابط اولیه با فرد یا افراد مراقبت‌کننده (در دوره کودکی)، شروع روابط اولیه با همسالان (در دوره نوجوانی) و در نهایت ورود به دوران بزرگسالی که در حالت بهینه و مطلوب، افراد قابلیت برقراری روابط صمیمی درازمدت که با اعتماد متقابل همراه است را کسب می‌کنند (آدامز و آرچر، ۱۹۹۴؛ جسلسون، ۱۹۹۶؛ نقل از مونتگومری، ۲۰۰۵). این گونه روابط به نوبه خود از سلامت و بهزیستی شخصی حمایت و آن را تقویت می‌کند.

اریکسون (۱۹۶۸؛ نقل از مونتگومری، ۲۰۰۵) یک چارچوب اولیه و موثر برای بررسی این دو حیطة روانی - اجتماعی فراهم می‌کند. وی احساس داشتن هویت را این گونه مفهوم‌سازی کرده است: سازماندهی پویا و خودساخته از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخ شخصی به صورت یک «خود»^۶ منسجم و مستقل که هدایت‌کننده مسیر

1- identity

3- mental health and well-being

5- Ryff & Keyes

2- intimacy

4- Montgomery

6- self

در حال رشد زندگی فرد است. اریکسون احساس صمیمیت را نیز این گونه مفهوم سازی می‌کند: تمایل برای شرکت در یک رابطه حمایت‌کننده و مهرآمیز، بدون از دست دادن «خود» در آن رابطه. بنابراین، رشد و گسترش خود به صورت یکی از ابعاد اصلی رشد صمیمیت بین فردی سالم محسوب می‌شود. اریکسون در ارائه فرضیه خود درباره صمیمیت و هویت به عنوان فرایندهای مستقل اما مرتبط به هم که تحت تاثیر تجربیات جنسی قرار می‌گیرند، چارچوبی نظری را فراهم می‌کند که نتیجه آن تحقیقات رشدی متفاوت است. (آدامز و آرچر، ۱۹۹۴؛ گروتوانت، ثوریک و میر، ۱۹۹۷؛ مارسیا، واترمن، ماتسون، آرچر و اورلوفسکی، ۱۹۹۳؛ راسکین و واترمن، ۱۹۹۴؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵؛ کراگر^۱، ۱۹۹۷).

بسیاری از تکالیف رشدی که قبلاً از مشخصه‌های دوران نوجوانی محسوب می‌شد (از جمله ساخت هویت) در دوران بزرگسالی نیز ادامه دارد (آرنت، ۲۰۰۰؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵) و چون بسیاری از تکالیف که مشخصه دوران بزرگسالی است (از جمله حرکت در راستای صمیمیت بالیده) در دوران نوجوانی شروع می‌شود (آرچر، ۱۹۹۴؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵)، لذا می‌توان این نتیجه‌گیری معقولانه را داشت که فرایندهای رشدی ساخت و تثبیت هویت منسجم، اساساً با فرایندهای شروع و حفظ صمیمیت حقیقی با همسالان دارای همپوشی است و بر آن تاثیر مثبت می‌گذارد (کراگر، ۱۹۹۷). اریکسون (۱۹۸۲؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵) این استدلال را مطرح کرده است که کسب صمیمیت و هویت بالیده روانی - اجتماعی فرایندهای مرتبط با هم، ولی مستقل می‌باشند. صمیمیت بین فردی باعث تقویت احساس هویت فردی حتی در اوایل دوران نوجوانی و قبل از تثبیت هویت می‌شود.

با این وجود، اریکسون (۱۹۸۲؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵) این استدلال را مطرح می‌کند که اگر چه اشکال دیگر صمیمیت بخشی از رشد طبیعی است، اما فقط بعد از

1- Kroger

تثبیت حس معقولانه هویت می‌توان صمیمیت بالیده و حقیقی را با شخص دیگری تجربه کرد؛ زیرا «یکی از شروط رابطه نزدیک بین دو نفر این است که باید در ابتدا هویت هر یک شکل گیرد» (ص ۱۰۱). او تکالیف صمیمیت در گذر از مرحله نوجوانی به بزرگسالی را به عنوان عامل کلیدی عنوان می‌کند، زیرا این گذر یک مرحله اساسی در دوره زندگی است که در آن تجارب مهم گذشته و حال، مسیر ساختار زندگی جوان را به صورت منفی یا مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد. در حالتی بهینه، نوجوانان زمانی که وارد دوران بزرگسالی می‌شوند از ظرفیت کامل صمیمیت که مبتنی بر حسی یکپارچه از خود است، برخوردار می‌باشند. از نشانه‌های این نوع توانایی، داشتن تمایل برای شرکت در تعامل‌های نزدیک، گرم، ارتباطی^۱ و متعهد است (مک آدامز و وایلنت، ۱۹۸۲؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵)، که این ظرفیت نقش اساسی در زندگی موفق و پر بار فرد بزرگسال ایفا می‌کند. علاوه بر آن اریکسون (۱۹۸۲؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵) پیش‌بینی می‌کند که تجارب مربوط به جنس بر توالی شکل‌گیری هویت و تکالیف صمیمیت تاثیرگذار است. دختران تعهدات هویت را تا زمانی که تعهد^۲ نسبت به یک رابطه صمیمی شکل نگرفته باشد به تاخیر می‌اندازند، یعنی دختران تنها در زمان برقراری رابطه صمیمانه تعهد هویت نشان می‌دهند (سورل و موننگومری ۲۰۰۱؛ نقل از موننگومری، ۲۰۰۵).

مطابق نظریه روانی - اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸؛ نقل از برزونسکی^۳، ۲۰۰۳) درباره شخصیت، هویت به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود از آن استفاده می‌کند. در خلال سه دهه گذشته، اکثر محققان مفهوم‌سازی‌های خود درباره شکل‌گیری هویت را در قالب مدل وضعیتی مارسیا (۱۹۶۶؛ نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) ارائه کرده‌اند. الگوی برزونسکی بر آن دسته از فرایندهای اجتماعی - شناختی مبتنی

1- communicative
3- Berzonsky

2- commitment

است که در طی آن افراد براساس شیوه ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در درون وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند (برزونسکی، ۱۹۹۰). سه جهت‌گیری یا سبک پردازش هویت شامل سبک هویت سردرگم/اجتنابی^۱، اطلاعاتی^۲ و هنجاری^۳ است.

در سبک هویت سردرگم/اجتنابی، افراد همواره تلاش می‌کنند که از مواجهه با مسائل فردی، تعارضات و تصمیمات اجتناب کنند. به نظر می‌رسد که سبک هویت سردرگم/اجتنابی با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، تغییرپذیری مقطعی، روان‌رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون رابطه مثبت و با آگاهی از خود، مقاومت شناختی، وظیفه‌شناسی و شاخص‌های بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴؛ برزونسکی و فراری^۴، ۱۹۹۶؛ دولینگر^۵، ۱۹۹۵؛ نورمی، برزونسکی، تامی و کینی^۶، ۱۹۹۷).

افراد با هویت موفق^۹ یا دیررس^{۱۰} به نظر می‌رسد که آنچه سبک اطلاعاتی نامیده می‌شود را مورد استفاده قرار دهند (برزونسکی و نی میر، ۱۹۹۴؛ استریتمتر، ۱۹۹۳). این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند. به جستجو و ارزیابی هدفمند مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند. نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تاخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰). استفاده از سبک هویت اطلاعاتی با نیاز به شناخت،

1- diffuse / avoidant
3- normative
5- Streitmatter
7- Dollinger
9- achieved

2- informational
4- Neimeyer
6- Ferrari
8- Tammi & Kinney
10- moratorium

پیچیدگی شناختی، تعمق درباره خود، مقابله مسأله‌مدار، بهزیستی ذهنی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و توافق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کنی، ۱۹۹۵؛ برزونسکی و کاک^۱، ۲۰۰۰؛ دولینگر، ۱۹۹۵؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷).

افراد با هویت زودرس^۲ به کمک آنچه سبک پردازش هنجاری نامیده می‌شود، مشخص می‌شوند (برزونسکی و نی میر، ۱۹۹۴؛ استریتمتر، ۱۹۹۳). این افراد با درونی کردن ارزش‌ها و باورهای دیگران مهم و با عدم استفاده از خود ارزیابی سنجیده با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مطالعات نشان می‌دهند که افراد هنجاری وظیفه‌شناس و سازگار هستند، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند، احساس مثبتی از بهزیستی دارند، اما این افراد در مواجهه با ابهام تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آنها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کینی، ۱۹۹۵؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰؛ دولینگر، ۱۹۹۵؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷).

اگر چه تعهد در مدل مارسیا (۱۹۶۶؛ نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) توجه فردی کمی را به خود جلب کرده است، پژوهش‌های اجتماعی - شناختی زیادی (بریکمن، ۱۹۸۷؛ کمپل، ۱۹۹۰؛ پلهام و سوان، ۱۹۸۹؛ نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳؛ میوس، ایدما، هلسن و ولبرگ^۳، ۱۹۹۹) نشان می‌دهد که تعهدات فردی ثابت یا قاطعیت خود^۴ در ارتقا کارکرد فردی و بهزیستی روان شناختی نقش مهمی ایفا می‌کند. در این قسمت به برخی از تفاوت‌های موجود در قدرت و وضوح معیارهای مربوط به خود، اهداف، قراردادهای و باورها که افراد در مقایسه با یکدیگر نشان می‌دهند، اشاره می‌گردد.

همان طور که بریکمن (۱۹۸۷؛ نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) خاطر نشان ساخته است

1- Kuk

3- Meuss, Idema, Hersen & Vollebergh

2- foreclosure

4- self-certainty

«تعهد رفتار فرد را در موقعیت‌هایی که وسوسه می‌شود به شکل دیگری رفتار کند، ثبات می‌بخشد».

تعهدات برای افراد احساس هدفمندی و جهت‌گیری به همراه داشته و به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کنند که در محدوده آنها رفتار و بازخورد کنترل، ارزیابی و تنظیم می‌گردد (بریکمن، ۱۹۸۷؛ نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳؛ نورمی، ۱۹۹۱). مطالعات نشان داده‌اند که قدرت تعهد با تصمیم‌گیری سنجیده و حساب شده و مقابله مسأله‌مدار رابطه مثبت و با اهمال‌کاری، دلیل تراشی، جهت‌گیری مبتنی بر دیگری، تمایل به تجربه وحشت قبل از تصمیم‌گیری و کمرویی کلی رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲؛ برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که تعهد هویت با سبک‌های پردازش هویت رابطه دارد. افراد با جهت‌گیری‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری در مقایسه با افراد سردرگم/اجتنابی تعهدات و قراردادهای فردی قوی‌تری نشان می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰).

افراد دارای هویت موفق و زودرس هر دو تعهد بالایی نشان می‌دهند، اما تعهد در افراد دارای هویت موفق بر پایه جستجوی انتخاب‌های هویتی است؛ در حالی که تعهد در افراد زودرس بر پایه جستجوی انتخاب‌های هویتی نمی‌باشد. افراد دیررس و مغشوش هیچ کدام از خود تعهد نشان نمی‌دهند. در افراد دیررس عدم تعهد به وسیله تداوم در فرایند جستجوگری و در افراد مغشوش به وسیله عدم تلاش در جهت اکتشاف انتخاب‌های هویتی تبیین می‌شود.

با توجه به نظریه اریکسون انتظار می‌رود که هویت موفق و زودرس از حیث رشدی در مقایسه با هویت دیررس و مغشوش مطلوب‌تر باشد، چرا که در بردارنده احساس تعهد است. این فقط بخشی از واقعیت است: در حالی که در ادبیات وضعیت هویت، هویت موفق در مقایسه با هویت مغشوش یک وضعیت بالیده است (میوس و همکاران، ۱۹۹۹). وضعیت دیررس در مقایسه با وضعیت زودرس، از بالیدگی بیشتری برخوردار

است. لذا به نظر می‌رسد که در پارادایم وضعیت هویت این علاقه یا گرایش، نتیجه حفظ تعهدات نسبت به اکتشاف^۱ انتخاب‌های هویتی است.

اریکسون به طور مؤکد پیامد شکل‌گیری هویت مطلوب را از نظر رشدی با قضاوت فردی مناسب، احساس یکپارچگی درونی و ظرفیت خوب عمل کردن (آنچه که می‌تواند به عنوان ویژگی‌های افراد سالم از نظر روان‌شناختی محسوب شود) مربوط دانست. به عبارت دیگر، نظریه سبک‌های هویت به جای تمرکز بر پیامد شکل‌گیری سبک‌ها، بر فرایند شکل‌گیری هویت تاکید می‌کند. شکاف مزبور به کمک مطالعاتی که در صد بررسی رابطه بین سبک‌های هویت متفاوت و شاخص‌های بهزیستی (از جمله روابط مثبت با دیگران) هستند، پر شده است.

رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، مقابله مسأله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت، و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، تفکر آرزومندانه و با فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد. جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان‌رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون، اختلالات خوردن و سلوک رابطه منفی نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳).

در حالی که جهت‌گیری اطلاعاتی با بهزیستی رابطه مثبت و جهت‌گیری سردرگم با بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد، رابطه بین جهت‌گیری هنجاری و بهزیستی مرز مشخص و روشنی ندارد. بنابراین، سبک هویت هنجاری مشابه با جهت‌گیری اطلاعاتی ممکن است با رفتارهای کارآمد رابطه مثبت و یا ممکن است مشابه با جهت‌گیری سردرگم با اجتناب هیجانی و اثرات ناتوان‌کننده اضطراب رابطه مثبت نشان دهد

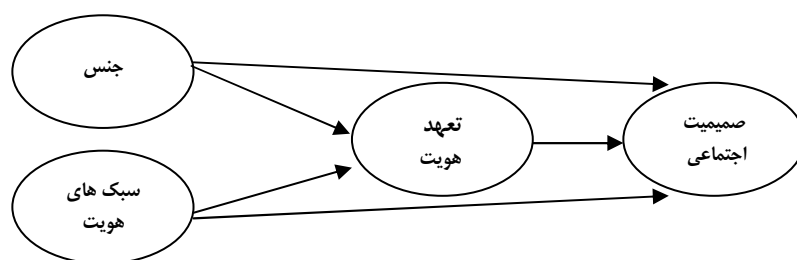
1- exploration

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
 - ▶ سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸۶
-

(برزونسکی، ۱۹۹۲). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مسأله و پذیرش، به عنوان حوزه‌های هسته‌ای خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰).

نتایج مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) در بررسی نقش تفاوت‌های فردی دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های هویت و رابطه آن با ریسش روانی اجتماعی نشان داد، در حالی که دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر روابط بین فردی صمیمانه‌تر و تحمل بیشتر عقاید دیگران را گزارش کردند؛ در مقابل، پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالم‌تری نشان دادند. نتایج مطالعه آنان همچنین نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس، نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین، در مقایسه با دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع بینی، نقشه‌های طولانی مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد، در حالی که وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند، شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد.

بر این اساس، به منظور پیش‌بینی احتمال وجود رابطه بین متغیرهای سبک‌های هویت، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی، نخست، براساس یافته‌ها و پیشینه پژوهش، الگویی برگزیده و پس از ارزیابی روابط متغیرها در قالب یک مدل علی و سنجش معناداری روابط هر یک از متغیرها، به برآورد ضرایب و به دنبال آن برازش الگو پرداخته شد. مدل اولیه که سعی در برازش آن بوده است، در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار (۱) الگوی اولیه

روش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های متوسطه دولتی مناطق ۹ گانه شهر تهران که در گرایش‌های علوم انسانی، تجربی، ریاضی در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. جمعیت جامعه آماری براساس گزارش دفتر برنامه‌ریزی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ حدود ۲۵۱،۵۶۸ نفر بوده است.

حجم نمونه با استفاده از دستور: حاصل ضرب متغیرها $\times 350$ برآورد شد $350 = 2100$ (تعداد از هر منطقه) $\times 3$ (پایه) $\times 2$ (جنس) محاسبه شد. برای جلوگیری از افت پرسشنامه‌ها ۱۰ درصد بر حجم برآورد شده افزوده گردید (جمعاً ۲۳۱۰ پرسشنامه توسط آزمودنی‌ها تکمیل گردید) (کلاین، ۲۰۰۰). بعد از حذف پرسشنامه‌هایی که به طور ناقص تکمیل شده بود و برای اجتناب از مفروضه انحراف از نرمال بودن، محقق مقادیر پرت^۱ (این مقادیر نرماتی هستند که خارج از حیطه نرمال قرار می‌گیرند و معرف مقادیر افراطی هستند) را با محاسبه Z برای هر گروه به دست آورد و مقادیری را که بالاتر از $+2/5$ و کمتر از $-2/5$ بودند را حذف نمود (یعنی بیش از

1- Kline

2- outlier

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸۶

۲/۵ انحراف استاندارد انحراف از میانگین). در نهایت، حجم نمونه پژوهش حاضر متشکل از ۲۰۹۹ نفر (۱۰۰۸ پسر و ۱۰۹۱ دختر) از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول، دوم، سوم در رشته‌های تحصیلی مذکور در مناطق مختلف (۳، ۶، ۹، ۱۳، ۱۶) آموزش و پرورش شهر تهران می‌باشد.

میانگین کلی سن دانش‌آموزان $16/03$ ($SD=0/97$)، دامنه = $19/50-13/50$)، میانگین سن دانش‌آموزان پسر $16/07$ ($SD=1/03$)، دامنه = $19/50-13/50$) و میانگین سن دانش‌آموزان دختر $16/01$ ($SD=0/91$)، دامنه = $18/50-14/50$) بود. برای انتخاب این افراد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. خوشه‌های مورد استفاده براساس جهت‌های جغرافیایی شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تعیین شد و از هر خوشه ۱ تا ۲ مدرسه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر^۱: فقدان ابزارهایی جهت ارزیابی صمیمیت در بافتی از روابط مختلف، میلر و لفقورت^۲ (۱۹۸۲) را به طراحی مقیاس صمیمیت اجتماعی ترغیب نمود. سؤالات مقیاس مزبور به وسیله مصاحبه‌های سازمان یافته که در آن شرکت‌کنندگان به جستجو و بحث درباره نقش صمیمیت در تمامی روابط خود، شامل ارتباط با دوستان، آشنایان و اعضای خانواده می‌پرداختند، ایجاد شد. این مقیاس شامل دو گروه سوال می‌باشد که شش سوال برای توصیف فراوانی صمیمیت و ۱۱ سوال دیگر به شدت صمیمیت تجربه شده در زمان کنونی، اختصاص داده شده‌اند. تمام سؤالات مورد نظر با استفاده از مقیاس ۱۰ درجه‌ای لیکرت، از خیلی به ندرت یا کم ۱ تا تقریباً همیشه یا زیاد ۱۰ پاسخ داده می‌شود. سؤالات ۲ و ۱۴ به طور معکوس و به بقیه سؤالات براساس مقیاس ۱۰ درجه‌ای لیکرت، ۱ تا ۱۰ امتیاز تعلق می‌گیرد. میلر و

1- Miller Social Intimacy Scale (MSIS)

2- Miller & Lefcourt

لفکورت (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ را در اجراهای گوناگون ۰/۸۶ تا ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. آنان همچنین ضریب پایایی به روش آزمون مجدد به فاصله زمانی بیش از دو ماه را ۰/۸۴ و با فاصله زمانی بیش از یک ماه ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند. در مجموع داده‌های روان‌سنجی به دست آمده توسط این دو محقق پیشنهاد می‌کند که مقیاس صمیمیت اجتماعی یک سنجش معتبر و پایا از صمیمیت اجتماعی است. در پژوهش حاضر و در یک بررسی مقدماتی که بر روی یک نمونه ۳۳۰ نفری (۱۶۶ پسر و ۱۶۴ دختر) انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های هویت^۱: پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی - اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. براساس دیدگاه برزونسکی نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سوال است که ۱۱ سوال (سوالات ۲، ۵، ۶، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۷) به سبک هویت اطلاعاتی، ۹ سوال (سوالات ۴، ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۰) به سبک هویت هنجاری و ۱۰ سوال (سوالات ۳، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۳۸) به سبک هویت سردرگم / اجتنابی و ۱۰ سوال (سوالات ۱، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۳۹) نیز به مقیاس تعهد اختصاص داده شده است. افراد بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲؛ تاحدودی موافق=۳؛ موافق=۴؛ کاملاً موافق=۵) به سوالات پاسخ می‌دهند. سوالات ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۰ به طور معکوس نمره گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۷) در آخرین (سومین) نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه خود ضرایب آلفای کرونباخ (N=۶۱۸) برای هر یک از خرده مقیاس‌ها را ۰/۷۰، ۰/۶۴ و ۰/۷۶، ۰/۷۱ به ترتیب برای سبک

1- Identity Style Inventory with Sixth-grade (ISI-6G)

اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی و تعهد هویت گزارش کرده است. وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی ویژگی های مقیاس تجدیدنظر شده برزونسکی، آن را بر روی یک نمونه ۳۶۱ نفری از دانشجویان با میانگین سنی ۲۱/۵ سال که ۷۶٪ آن مرد بودند، اجرا کردند. آنها با استفاده از روش همسانی درونی^۱ ضریب آلفای کرونباخ برای سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را محاسبه کردند. با توجه به اینکه پرسشنامه برزونسکی براساس ویژگی‌های گروه نمونه مطالعه‌اش که عده‌ای از دانشجویان بودند، ساخته شده بود، وایت و همکاران تردید داشتند که این پرسشنامه بتواند به صورت مطلوبی برای نوجوانان در سنین پایین‌تر و همچنین بزرگسالان با مهارت‌های محدود خواندن مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی اعتبار ضعیف سازه در مقیاس برزونسکی نشان می‌داد که همه مقیاس‌ها به طور مثبت با هم رابطه دارند ($r=0/58$) بین سبک اطلاعاتی و هنجاری؛ $r=0/13$ بین سبک اطلاعاتی و سردرگم / اجتنابی؛ $r=0/27$ بین سبک هنجاری و سردرگم / اجتنابی). در حالی که انتظار می‌رود سبک هنجاری با سبک اطلاعاتی همبستگی مثبت و سبک سردرگم / اجتنابی با سبک اطلاعاتی همبستگی منفی نشان دهد. بدین ترتیب وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای رفع چنین نقص‌ها و کاستی‌هایی اقدام به تهیه یک نسخه جدید از پرسشنامه سبک‌های هویت با نام سبک‌های هویت (نسخه ۶G) نمودند. در پژوهش حاضر از این پرسشنامه (از نسخه ترجمه شده توسط فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) بعد از اصلاح و اندکی تغییرات) استفاده شده که تعداد آن با نسخه اصلی سبک‌های هویت مشابه بوده اما از نظر محتوای سوالات تغییر کرده است. در ایران تحقیقات مختلفی پرسشنامه سبک‌های هویت را در بررسی دانش آموزان و دانشجویان مورد استفاده قرار داده‌اند که از میان آنها مطالعات غرابی، عاطف و وحید، دژکام و محمدیان (۱۳۸۴) ضرایب پایایی برای سبک‌های هویت اطلاعاتی،

1- internal consistence

هنجاری و سردرگم / اجتنابی و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۵، فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) ضرایب پایایی برای سبک‌های هویت و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۰، ۰/۶۶ و ۰/۶۸ و فیض آبادی (۱۳۸۴) ضرایب پایایی ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ برای سه سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم گزارش کرده اند.

محقق در بررسی مقدماتی که بر روی یک نمونه ۳۳۰ نفری (۱۶۴ دختر و ۱۶۶ پسر) انجام داد، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاس‌های سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم / اجتنابی و تعهد به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۵۰، ۰/۵۴ و ۰/۶۶ و پایایی کلی ۰/۶۴ برای کل آزمون به دست آمد.

درباره روند آماده‌سازی پرسشنامه صمیمیت اجتماعی لازم به ذکر است که این پرسشنامه ابتدا به فارسی ترجمه شد و به دنبال آن از دو متخصص زبان انگلیسی درخواست گردید که آن را به انگلیسی برگردانند. تفاوت موجود بین نسخه‌های انگلیسی، ارزیابی شده و از طریق یک «فرایند مرور مکرر»^۱ این تفاوت‌ها به حداقل ممکن کاهش یافت. بر این اساس، مترادف معنایی دو نسخه فارسی و انگلیسی به دقت مورد بررسی قرار گرفت. به دنبال آن چند نفر از اعضای هیئت علمی روایی محتوا و تطابق فرهنگی این پرسشنامه را تایید کردند.

یافته‌ها

میانگین نمرات خام دانش آموزان دختر و پسر در سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی در جدول یک آمده است.

1- iterative review process

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
 سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸۶

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی نمرات دانش‌آموزان در تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی به تفکیک جنس

P	t	انحراف استاندارد			میانگین			شاخص‌ها جنس متغیرها
		کل	دختر	پسر	کل	دختر	پسر	
۰/۱۱۰	۱/۵۹۸	۴/۹۴	۴/۸۲	۵/۰۷	۴۰/۲۷	۴۰/۴۴	۴۰/۱۰	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۰۰۱	۳/۷۵۶	۴/۳۷	۴/۵۲	۴/۲۱	۳۲/۳۱	۳۱/۹۵	۳۲/۶۷	سبک هویت هنجاری
۰/۳۱۹	۰/۹۹۶	۵/۸۱	۵/۸۳	۵/۷۸	۲۵/۶۶	۲۵/۵۷	۲۵/۸۲	سبک هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۰۰۱	۵/۳۰۹	۵/۴۵	۵/۵۲	۵/۲۹	۳۶/۰۲	۳۵/۴۱	۳۶/۶۷	تعهد هویت
۰/۰۰۱	۹/۱۷۴	۱۵/۸۴	۱۴/۷۹	۱۶/۲۹	۱۳۹/۶۳	۱۴۲/۶۳	۱۳۶/۳۸	صمیمیت اجتماعی

نتایج جدول یک نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات دختران و پسران در سبک هویت هنجاری، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲، همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۲) ماتریس همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- سبک هویت اطلاعاتی	-			
۲- سبک هویت هنجاری	۰/۳۲**			
۳- سبک هویت سردرگم/اجتنابی	-۰/۱۹**	-۰/۰۹**		
۴- تعهد هویت	۰/۳۷**	۰/۴۰**	-۰/۳۵**	
۵- صمیمیت اجتماعی	۰/۱۷**	۰/۱۸**	-۰/۰۷**	۰/۱۲**

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین نمرات صمیمیت اجتماعی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار، و بین نمرات صمیمیت

اجتماعی و سبک سردرگم رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که بین نمرات سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با سبک سردرگم رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

از آنجا که در این پژوهش هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های هویت و تعهد هویت و تعیین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم این متغیرها بر صمیمیت اجتماعی است، لذا از الگوی تحلیل مسیر استفاده می‌شود.

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر صمیمیت اجتماعی (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای، جنس، سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو ۰/۹ از واریانس صمیمیت اجتماعی را تبیین می‌کند. متغیرهای برون‌زای جنس، سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم به ترتیب با ضرایب رگرسیونی برابر با ۰/۱۰، ۰/۲۲، ۰/۲۹، ۰/۲۸- اثری معنادار بر متغیر درون‌زای مستقل (تعهد هویت) نشان دادند. همچنین اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر درون‌زای وابسته (صمیمیت اجتماعی) ۰/۰۶ به دست آمد که معنادار است. واریانس تبیین شده متغیر درون‌زای مستقل (تعهد هویت) از طریق متغیرهای برون‌زا ۰/۳۱ می‌باشد. نمودار ۲ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تحلیل مسیر، اندازه‌گیری اثرات غیرمستقیم و اثرات کل متغیرها بر یکدیگر است. نتایج نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب ۰/۰۱-، ۰/۰۱، ۰/۰۱، ۰/۰۱- و ۰/۰۱- و اثر کل آنها به ترتیب ۰/۲۱-، ۰/۱۱، ۰/۱۶ و ۰/۰۱- به دست آمد. اثرات غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا و اثر کل متغیر برون‌زای سبک هویت سردرگم غیرمعنادار و اثرات کل متغیرهای برون‌زای جنس، سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری معنادار می‌باشند.

بحث

نتایج پژوهش حاضر درباره نقش تفاوت‌های جنسی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی نشان داد که بین دو جنس در سبک‌های هویت هنجاری، تعهد هویت و صمیمیت اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج ماتریس همبستگی نیز نشان داد که بین نمرات صمیمیت اجتماعی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار، و بین نمرات صمیمیت اجتماعی و سبک سردرگم رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

علاوه بر این، نتایج الگوی تحلیل مسیر نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار؛ سبک هویت هنجاری بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار، و جنس و سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر تعهد اثر مستقیم منفی و معنادار دارد. اثر غیرمستقیم سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری از طریق تعهد بر صمیمیت اجتماعی مثبت و غیرمعنادار؛ اثر غیرمستقیم جنس و سبک هویت سردرگم / اجتنابی از طریق تعهد بر صمیمیت اجتماعی منفی و غیرمعنادار به دست آمد.

پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با تجربه صمیمیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری نشان می‌دهد. در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت که افراد با سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با افراد با سبک سردرگم بالیدگی بیشتری در روابط بین فردی از خود نشان می‌دهند. برزونسکی و کاک (۲۰۰۰) نشان دادند که می‌توان اثرات منفی سبک سردرگم بر تکلیف مسائل بین فردی را با توجه به شیوه ترجیحی افراد در مواجهه با مسائل، عوامل تنیدگی‌زا و تقاضاهای محیطی تبیین کرد. بر این اساس آنان دریافتند که سبک هویت اطلاعاتی اثر مثبت و مستقیمی بر عملکرد افراد در تکالیف مختلف از جمله بالیدگی در روابط بین فردی دارد. به عبارت دیگر، آنان اشاره کردند که در تمایز بین

عملکرد افراد با سبک‌های هویتی مختلف در تکلیف بالیدگی روابط بین فردی، شیوه‌های ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های مختلف (راهبردهای مقابله سازنده و مسأله مدارانه برای افراد اطلاعاتی و راهبردهای ناکارآمد در افراد با سبک سردرگم) از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین راستا و همسو با یافته‌های برزونسکی و کاک (۲۰۰۰، ۲۰۰۵)، پیری (۱۳۸۳) و حسینی طباطبائی (۱۳۷۷) توجه به نقش بااهمیت حس انسجام - به عنوان یکی از بارزترین مشخصه‌های هویت بالیده - آن چنان که در تعریف اریکسون (۱۹۶۸؛ نقل از مونگومری، ۲۰۰۵) مورد توجه قرار گرفته است اشاره کرده‌اند. همچنین به کارگیری راهبردهای ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (آنتونوسکی^۱، ۱۹۷۹، ۱۹۸۷؛ نقل از پالانت و لائی^۲، ۲۰۰۲). از نظر آنتونوسکی حس انسجام به یک جهت‌گیری کلی و احساسی فراگیر از اعتماد اشاره می‌کند و بیانگر این مفهوم است، فرد از منابع کافی برای مواجهه با مطالبات رویدادهای زندگی برخوردار است و اینکه این مطالبات معنادار بوده و ارزش درگیری دارند، بنابراین آن دسته از وقایع زندگی که فرد در زندگی با آنها مواجه می‌گردد قابل درک و فهم هستند. آنتونوسکی (۱۹۷۹، ۱۹۸۷، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳؛ نقل از پالانت و لائی، ۲۰۰۲) معتقد است فردی با چنین جهت‌گیری کلی احساس می‌کند که زندگی قابل درک، قابل کنترل و معنادار است. این سه عنصر، درک انسجام شخصی از دنیا را می‌سازد. فردی با حس انسجام بالا از نظر شناختی و هیجانی ظرفیت نظم بخشی به مشکلات و تمایل به مواجهه با آنها را دارد. به احتمال زیاد چنین فردی بر روی پیوستار سلامت - بیماری، سالم ارزیابی می‌گردد. در مقابل، پیش‌بینی می‌شود فردی با حس انسجام پایین نسبت به هم‌تایان با حس انسجام بالا در مواجهه با مسائل از کارآمدی پایین‌تری برخوردار است. اگرچه آنتونوسکی (۱۹۹۳) نقل از پالانت و لائی، ۲۰۰۲) استدلال نکرد که حس انسجام به طور عمده یک متغیر حفاظت‌کننده در برابر تنیدگی است، تعدادی از مطالعات حس انسجام را به عنوان

1- Antonovsky

2- Pallant & Lae

سپری در برابر منابع تنیدگی‌زا یا به عنوان عاملی که اثرات حفاظتی در برابر تنیدگی دارد، مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر آنتونوسکی اثرات محافظتی حس انسجام در برابر تنیدگی به تاثیری که این سازه بر انتخاب راهبردهای مقابله‌ای دارد، مربوط می‌گردد. در حالی که حس انسجام به خودی خود یک راهبرد مقابله‌ای نیست، به نظر می‌رسد که افراد با حس انسجام بالا بیشتر احتمال دارد که راهبردهای انطباقی منعطف و مناسب با نیازهای یک موقعیت خاص را انتخاب نمایند (آنتونوسکی، ۱۹۹۲؛ نقل از پالانت و لائی، ۲۰۰۲). تعدادی از مطالعات رابطه بین حس انسجام و راهبردهای مقابله‌ای انتخاب شده به وسیله افراد در مواجهه با موقعیت تنیدگی‌زا را بررسی کرده‌اند (بن - دیوید و لیشتنتریت^۱، ۱۹۹۹؛ کوهن و دکل^۲، ۲۰۰۰؛ گالاگر، وگنفلد بارو و هیپرز^۳، ۱۹۹۴؛ مارگالیت، راویو و آنکونینا^۴، ۱۹۹۲؛ مک شری و هولم^۵، ۱۹۹۴؛ نقل از پالانت و لائی، ۲۰۰۲). همچنین به نظر می‌رسد که حس انسجام با بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی فزاینده و همچنین با توانایی کارکردی افراد رابطه نشان دهد (کارمل، آنسون، لونسون، بونت و ماوز^۶، ۱۹۹۱؛ کوهن و دکل، ۲۰۰۰؛ کیواماکی^۷، فلدت، ۲۰۰۰؛ لوستیگ و هینز^۸، ۲۰۰۰؛ ۱۹۹۵، نقل از پالانت و لائی، ۲۰۰۲).

در تبیین اثر مثبت و معنادار سبک هویت هنجاری بر صمیمیت اجتماعی در پژوهش حاضر، تاکید بر نقش پارادایم فرهنگی جمع‌گرا ضرورتی انکارناپذیر است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد وابسته به گروه‌هایشان می‌باشند و رفتارشان عمدتاً براساس هنجارهای پذیرفته شده در گروه هدایت می‌شود (میلز و کلارک^۹، ۱۹۸۲؛ نقل از تریاندیس و سو، ۲۰۰۲). جمع‌گرایی بر آن دسته از روابط بین فردی متمرکز است که در آن هماهنگی گروهی از طریق انجام به موقع و مناسب نقش‌ها، وظایف و الزامات به پیش برده می‌شود. ارزش‌های غالب در این نوع فرهنگ شامل حمایت، اطاعت،

1- Ben-David & Leichtenritt

3- Gallagher, Wagenfeld, Baro & Haepers

5- McSherry & Holm

7- Kivamaki

9- Mills & Clark

2- Cohen & Dekel

4- Margalit, Raviv & Ankonina

6- Carmel, Anson, Levenson, Bonneth, & Maoz

8- Kystug & Haynes

لذت‌جویی مهار شده و وابستگی متقابل است. لذا ویژگی‌هایی که ممکن است از نظر فرهنگ فردگرا مشخصه افراد با سبک هنجاری باشد، در جامعه جمع‌گرا مشخصه افراد با سبک اطلاعاتی باشد. در تایید جمله اخیر، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز نشان داد که برخی از سوالات مربوط به سبک اطلاعاتی زیر عامل سبک هنجاری و بالعکس بارگیری شده‌اند. به عبارت دیگر برخی از ویژگی‌هایی که به نظر می‌رسد ویژگی سبک هویت اطلاعاتی باشند براساس اینکه در چه فرهنگ و بافتی مورد نظر قرار گیرند، ممکن است هنجاری تلقی شوند.

به عبارت دیگر، نتایج مطالعات مختلف نشان داده است، محدودیت‌های بافتی و انتظارات فرهنگی نقش بسزایی در ترجیحات و اولویت‌های ارتباطی افراد دارد (الدر و همکاران، ۱۹۹۳؛ ویزنر و برهیمر، ۱۹۹۸؛ نقل از تاکاهاشی، اوهارا، آنتونوسی و آکیاما، ۲۰۰۲). افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا تا حد زیادی به برقراری روابطی هماهنگ و سازگار با افراد دیگر تمایل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، این افراد نمی‌توانند با صراحت هیجانات منفی خود را در روابط بین فردی نشان دهند. بر این اساس افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا علاقه‌مند به حفظ ارتباط خود با دیگران بوده و همواره می‌کوشند که از جریحه‌دار کردن احساسات دیگران که تهدیدکننده صمیمیت بین فردی است اجتناب ورزند (هو و چپو، ۱۹۹۴؛ تریاندیس، ۱۹۹۵؛ نقل از تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۰۲؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱).

نتایج پژوهش حاضر همسو با مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) و فرتاش (۱۳۸۴) نشان داد که سبک سردرگم فاقد قدرت پیش‌بینی صمیمیت بین فردی می‌باشد. برزونسکی (۱۹۹۴، ۱۹۹۲)، برزونسکی و فراری (۱۹۹۶)، برزونسکی و کاک (۲۰۰۰)، دالینگر (۱۹۹۵) و نورمی و همکاران (۱۹۹۷) معتقدند که افراد سردرگم از راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی، هیجان‌مدار و راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی استفاده می‌کنند. همچنین برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) بر این باورند که افراد سردرگم برای تشکیل روابط دوستانه و حفظ شبکه حمایت اجتماعی با مشکل مواجه هستند. آنان روابط ضعیفی را

با همسالان خود برقرار می‌کنند و از نظر میزان صمیمیت و گشودگی در روابط در سطح پایینی قرار دارند.

نتایج پژوهش حاضر بر نقش تعیین‌کننده متغیر جنس بر صمیمیت اجتماعی اشاره می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که صمیمیت اجتماعی دختران به طور معناداری بیشتر از پسران است. این یافته با نتایج پژوهش‌های برزونسکی و کاک (۲۰۰۵)، رز و رادولف (۲۰۰۶) آلتمن و تیلور (۱۹۷۳)، نقل از فهر؛ (۲۰۰۴)، ریز (۱۹۸۸)، ۱۹۹۸؛ نقل از فهر، (۲۰۰۴)، ریز و پاتریک (۱۹۹۶)، نقل از فهر، (۲۰۰۴) ریز و شیور (۱۹۸۸)؛ نقل از فهر، (۲۰۰۴)، فیشر و ناروس (۱۹۸۱)؛ نقل از فهر، (۲۰۰۴)، شارابانی و همکاران (۱۹۸۱)؛ نقل از فهر، (۲۰۰۴)، بانک و هنسفورد (۲۰۰۰)؛ نقل از فهر، (۲۰۰۴)، گایا (۲۰۰۲)، پرلمن و فهر (۱۹۸۷)، اولسون و شالتز^۱ (۱۹۹۴)؛ نقل از متیود^۲، ایبانز^۳، ماررو و کاربالیرا^۴، (۲۰۰۳)، دانز و هیلج (۱۹۹۱) آرایس و جانسون^۵ (۱۹۸۳)؛ نقل از گایا، (۲۰۰۲)، اورلوفسکی (۱۹۹۳)؛ نقل از گایا، مونتگومری (۲۰۰۵)، ولوراس و بوسما (۲۰۰۵)، هوک و همکاران (۲۰۰۳)، گریگسی و ودرلی^۶ (۱۹۸۳)؛ نقل از گایا، (۲۰۰۲)، آرچیل (۱۹۸۷)؛ نقل از چنگ و فرنهام، کلیز (۱۹۹۲)؛ نقل از چنگ و فرنهام، ریف (۱۹۹۱)؛ نقل از ریف و کییز، (۱۹۹۵) همسو، و با یافته‌های لینکوئیست^۷ (۱۹۹۴)؛ نقل از گایا، (۲۰۰۲)، اورسون و شیلینگ (۱۹۹۲)؛ نقل از گایا، (۲۰۰۲) مک نلز و کونولی^۸ (۱۹۹۹) ناهمسو است. نظریه روان‌شناسی اجتماعی در تبیین تفاوت‌های جنسی در تجربه روابط صمیمانه نشان می‌دهد که زنان و مردان در خلال فرایند اجتماعی شدن یاد می‌گیرند که از شیوه‌های هماهنگ با جنس خود برای تجربه صمیمیت سود جویند. مردان متأثر از فرایند اجتماعی شدن و با پیش‌بینی خطر طرد اجتماعی همواره از بروز ویژگی‌های زنانه از قبیل هیجانات و صمیمیت زیاد خودداری می‌کنند. علاوه بر این، آن

1- Olson & Shultz

3- Ibanez

5- Aries & Johnson

7- Linquist

2- Matud

4- Marrero & Carballeira

6- Grigsby & Weatherley

8- McNelles & Conolly

چنان که ویلیامز (۱۹۸۵؛ نقل از گایا، ۲۰۰۲) اشاره کرده است مردان همواره از ارائه تصویری ضعیف و آسیب‌پذیر از خود به دیگران در هراس هستند. شواهد به دست آمده از مطالعات ارزیابی افشای خود مردان، استفاده از کلمات مبتنی بر موفقیت و پیروزی به جای نقص و ترس خبر می‌دهد (گایا، ۲۰۰۲). با این حال شواهد نشان می‌دهد که زنان می‌توانند به راحتی آن دسته از اطلاعات و نگرانی‌هایی را که ممکن است آنان را آسیب‌پذیر جلوه دهد، افشا کنند (هوستون و اشمور، ۱۹۸۶؛ نقل از گایا، ۲۰۰۲).

نظریه نقش نیز فرض می‌کند که نقش‌های اجتماعی، رفتار متناسب با هر جنس را تعیین می‌کند. بر این اساس نقش زنانه بر تربیت و مراقبت از دیگران، و نقش مردانه بر تمرکز کمتر بر نیازهای دیگران و عاملیت^۱ تاکید می‌کند. در این دیدگاه زنان در مقایسه با مردان آمادگی بیشتری برای صمیمیت از خود نشان می‌دهند (ایگلی، ۱۹۸۷؛ نقل از گایا، ۲۰۰۲). نظریه‌های جدید نقش‌های جنسی مفهوم‌سازی‌های قبلی درباره جهت‌گیری جنسی، زنانگی و مردانگی را به صورت قطب‌های متضاد موجود بر روی یک پیوستار در نظر می‌گیرند (بم، ۱۹۷۴؛ نقل از گایا، ۲۰۰۲).

نتایج پژوهش حاضر درباره اثرات غیرمستقیم و غیرمعنادار متغیرهای جنس و سبک‌های سه‌گانه هویت بر عدم نقش معنادار و میانجی‌گر عامل تعهد اشاره می‌کند. برزونسکی (۲۰۰۳، ۲۰۰۴) تأکید می‌کند که در پرسشنامه سبک‌های هویت، سوالاتی که به ارزیابی مقوله تعهد می‌پردازند، تعهد را صرفاً در ارتباط با اهداف زندگی، اهداف شغلی، ایدئولوژی سیاسی و مذهبی دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، وی اشاره می‌کند که نمرات تعهد افراد در رابطه با حوزه‌های ذکر شده، قابل تعمیم به روابط بین فردی نیست. در پژوهش حاضر همسو با یافته‌های برزونسکی (۲۰۰۳، ۲۰۰۴) و ناهمسو با یافته‌های ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) و فارسی نژاد (۱۳۸۳) نمی‌توان بر نقش میانجی‌گر تعهد در بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی به عنوان یکی از

1- agent

شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی یعنی ارتباط مثبت با دیگران تمرکز کرد. به عبارت دیگر، تاثیرگذاری و برخورداری از سبک هویتی خاص به دلیل وجود یا عدم وجود تعهد هویت و پیش‌بینی‌کننده صمیمیت اجتماعی افراد از طریق تعهد هویت نمی‌باشد، بلکه صرفاً به دلیل وجود مواجهه و یا عدم مواجهه با مسائل هویتی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر از طریق یک مطالعه مقطعی به دست آمده است، لذا ارزیابی روابط علی را ممکن نمی‌سازد. بنابراین، تکرار یافته‌های مطالعه حاضر از طریق تحقیقات طولی ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه طولی که بتواند به بررسی رشد جنبه‌های عاطفی و رفتاری صمیمانه در تعامل‌های اجتماعی نوجوانان دختر و پسر بپردازد، تلویحات مهمی برای روان‌شناسان بالینی و رشدی به همراه خواهد داشت. از آنجا که صمیمیت یک عنصر مهم در دوستی‌های دوره نوجوانی و صفت بارز این دوره و یک ویژگی مهم روابط بین فردی است، آگاهی از چگونگی رشد صمیمیت می‌تواند به تسهیل رشد آن، هم در دختران و هم در پسران برای برقراری روابط سالم کمک کند. از طرفی مطالعه رشد و شکل‌گیری هویت در کنار متغیر صمیمیت، می‌تواند اطلاعات جامع‌تری را در زمینه رشد سازگاری هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی در این دوره مهم رشدی، به دست دهد.

تکالیف هویت و صمیمیت در گذر از مرحله نوجوانی به بزرگسالی به عنوان عوامل کلیدی و تعیین‌کننده در رشد بر تجارب مهم گذشته و حال، و به عنوان عواملی که مسیر ساختار زندگی جوان را به صورت منفی یا مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهند و همچنین فرض صمیمیت اجتماعی به عنوان شاخصی از بهزیستی روان‌شناختی یا سلامت روانی، ضرورت مطالعه بهزیستی روان‌شناختی که ابعاد مختلفی را در خود دارد (استقلال، پذیرش خود، تسلط بر محیط، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی) در کنار متغیر هویت برجسته می‌سازد. همچنین، مطالعه نقش جنسی می‌تواند به شیوه موثرتری تفاوت‌های جنسی واقعی در زمینه شکل‌گیری هویت و تجربه صمیمانه را بررسی و تبیین کند. بنابراین، مطالعه هویت و نقش جنسی و بهزیستی

روان‌شناختی می‌تواند اطلاعات مهم و جالب توجهی را در زمینه تفاوت‌های جنسی در اختیار قرار دهد.

عدم معناداری نقش میانجی‌گر تعهد هویت در بررسی رابطه سبک‌های هویت و صمیمیت اجتماعی ضرورت توجه به مفاهیمی از قبیل سبک مقابله با تنیدگی و مهارت‌های مواجهه موثر با موضوعات مختلف و از جمله مسائل مرتبط با هویت و صلاحیت‌ها و کفایت‌های حل مسأله اجتماعی به عنوان یک فرایند شناختی - عاطفی - رفتاری را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد (هاو^۱، ۲۰۰۶؛ سیاروشی، اسکات، دینه، هیون^۲، ۲۰۰۳؛ سو و شک^۳، ۲۰۰۵). در این راستا مطالعات متعددی نشان داده‌اند که شیوه ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا با بهزیستی آنها در ابعاد مختلف رابطه نشان می‌دهد (لی بگلی، پریس و دلگونیس^۴، ۲۰۰۵). لذا، آموزش راهبردهای مواجهه انطباقی با مسائل و موقعیت‌های چالش‌انگیز گامی موثر و کارآمد در پیشبرد اهداف روان‌شناسی سلامت محسوب می‌گردد. همسو با آنچه گفته شد، برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) مگای و هانزیکر^۵ (۱۹۹۳) با تأکید بر نقش تعیین‌کننده تعارضات ناشی از تقابل بین هویت و درون دادهای محیطی، ضرورت مواجهه موثر با این تعارضات را مورد تأکید قرار می‌دهد. برزونسکی (۱۹۹۲) فرض می‌کند که انطباق موفقیت‌آمیز مستلزم وجود تعادل بین فرایندهای جذبی و انطباقی به منظور کاهش تعارضات تجربه شده است. وی در ادامه تشریح می‌کند که تصمیمات مبتنی بر اطلاعات که خود مولفه‌ای از مواجهه مسأله‌مدارانه با موقعیت‌ها قلمداد می‌گردد، امکان انطباق را هر چه بیشتر می‌کند. به عبارت دیگر، سبک‌های هویت در مواردی که موقعیت، هویت افراد را به چالش می‌طلبد با بهزیستی روان‌شناختی رابطه نشان می‌دهد.

1- Haugh
3- Siu & Shek
5- Magai & Hunziker

2- Ciarrochi, Scott, Deane & Heaven
4- Lee-Baggley, Preece & Delgonis

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله : ۸۶/۱/۸

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۸۶/۷/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۹/۲۱



- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸۶

References

منابع

- پیری، لیلا. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و مهارت‌های زندگی (توانایی ابراز وجود و مقابله با فشار روانی) در دانش آموزان دختر مقاطع پیش دانشگاهی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- حسینی طباطبائی، فوزیه. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- شهرآرای، مهرناز. روانشناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی. تهران: انتشارات علم، ۱۳۸۴.
- غرابی، بنفشه، عاطف وحید، محمدکاظم، دژکام، محمود، محمدیان، مهرداد. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت هویتی نوجوانان در تهران. هفتمین کنگره پژوهش‌های روان‌پزشکی و روانشناسی در ایران.
- فارسی‌نژاد، معصومه. (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فرتاش، سهیلا. (۱۳۸۴). رابطه هویت و تعهد هویت با کیفیت دوستی با توجه به نقش جنس و پایگاه اجتماعی اقتصادی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- فیض‌آبادی، زهرا. (۱۳۸۴). مقایسه پاسخ‌های همدلانه دانشجویان در سبک‌های هویتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Berzonsky, M.D. (2002). *Identity processing styles, self-construction, and personal epistemic assumptions: A Social-cognitive perspective*. Paper presented in the Workshop. "Social Cognition in Adolescence: Its developmental significance", Groningen, the Netherlands.

- Berzonsky, M.D. (1997).[Reliability Data for the Third Revision of the Identity Style Inventory(ISI-3)].Unpublished Raw Data.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15(1)*, 81-98.
- Berzonsky, M.D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 267-281.
- Berzonsky, M.D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.). *Advances in personal Construct Psychology (vol. 1)*, pp. 155-186). Greenwich CT: JAI.
- Berzonsky, M.D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality, 60*, 771- 788.
- Berzonsky, M. D., & Kinney, A. (1995). *Identity style and need for cognitive closure*. Paper presented at the biennial meeting of the society for research on identity formation, Dog Island fL.
- Berzonsky, M.D. (1994). *A diffuse/avoidant identity processing style: Confused self or self-serving strategy?* Paper presented at the biennial meetings of the international society for the study of behavioral Development, Amsterdam, the Netherlands.
- Berzonsky, M.D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter Identity? *An International Journal of Theory and Research, 3(2)*, 131-142.
- Berzonsky, M.D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence, 33(3)*, 213-220.
- Berzonsky, M.D., & Ferrari, J.R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences, 20*, 597-606.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic Performance. *Personality and Individual Differences. 39*, 235-247.

- Berzonsky, M.D., & Neimeyer, G.J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality*, 28, 425-435.
- Cheng, H., & Furnham, A. (2002). Personality, peer relations, and self-confidence as predictors of happiness and loneliness. *Journal of Adolescence*, 25, 327-339.
- Ciarrochi, J., Scott, G., Deane, F.P., Heaven, P.C.L. (2003). Relations between social emotional competence and mental health: A construct validation study. *Personality and Individual Differences*, 35, 1947-1963.
- Dollinger, S.M. (1995). Identity styles and the Five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality*, 29, 475-479.
- Downs, A. CH., & Hillje, E. S. (1991). Reassessment of the Miller social intimacy scale: Use with mixed and same-sex dyads produces multidimensional structures. *Psychological Reports*, 1991, 69, 991-997.
- Fehr, B. (2004). Intimacy expectations in same-sex friendships: A prototype interaction-pattern model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(2), 265-284.
- Gaia, A.C. 2002. Understanding emotional intimacy: A review of conceptualization, assessment and the role of gender. *International Social Science Review*, 77 (3, 4), 151-170.
- Haugh, J.A. (2006). Specificity and social problem-solving: Relation to depressive and anxious Symptomology. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25, (4).
- Hook, M.K., Gerstein, L. H., Detterich, L., & Gridley, B. (2003). How close are we? Measuring intimacy and examining gender differences. *Journal of Counseling & Development*, 81(4), 462.
- Kline, Paul (2000). *Handbook of psychological testing*. London: Routledge.
- Kroger, J. (Ads). (1997). *Identity in adolescence. The balance between self and other*. London and New York: Routledge.
- Kunnen, S.E., & Bosma, H. A. (1993). Development of meaning: A dynamic systems approach. *New Ideas in Psychology*, 18, 57-82.

- Lee-Baggley, D., Preece, M., & Delgonis, A. (2005). Coping with interpersonal stress: Role of big five traits. *Journal of Personality, 73*(5), 1141-1146.
- Magai, C., & Hunziker, J. (1993). Tolstoy and the Riddle of developmental transformation: A lifespan analysis of the role of emotions in personality development. In Lewis, M., & Haviland, J. M. (Eds.), *Handbook of emotions* (pp. 247-259). New York and London: The Guilford Press.
- Markus, H.R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review, 98* (2), 224-253.
- Matud, M. P., Ibanez, I., Bethencourt, U. M., Marrero, R., & Carballeira, M. (2003). Structural gender differences in perceived social support. *Personality and individual differences, 35*, 1919-1929.
- McNelles, L.R., & Connolly, J. A. (1999). Intimacy between adolescent friends: Age and gender differences intimate Affect and Intimate Behaviors. *Journal of Research on Adolescence, 9* (20), 143-159.
- Meuss, Idema, J., Hersen, M., & Vollebergh, W. (1999). Patterns of adolescent identity development: Review of literature and longitudinal analysis. *Developmental Review, 1*, 419-461.
- Miller, R.S., & Lefcourt, H. M. (1982). The assessment of social intimacy. *Journal of Personality Assessment, 46* (5), 514-518.
- Montgomery, M.J. (2005). Psychological intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research, 20*(3), 346-374.
- Nurmi, J.E. (1991). How do adolescents see their future: A review of the development of future orientation and behavioral strategies and planning. *Developmental Review, 11*, 1-59.
- Nurmi, J.E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinnet, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development, 21*, 555-570.

- Pallant, J.F., & Lae, L. (2002). Sense of coherence, well-being, coping and personality factors: Further evaluation of the sense of coherence scale. *Personality and Individual Differences*, 33, 39-48.
- Perlman, D., & Fehr, B. (1987). The development of intimate relationships. In D. Perlman & S. Duck (Eds.), *Intimate Relationships: Development, Dynamics and Deterioration* (pp. 13-42). Beverly Hills, CA: Sage.
- Rose, A.J., & Rudolph, K. D. (2006). A review of sex differences in peer relationship processes: Potential trade-offs for the emotional and behavioral development of girls and boys. *Psychological Bulletin*, 132 (1), 98-131.
- Ryff, C.D., & Keyes, C.L.M. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69(4), 719-727.
- Siu, A.M.H., & Shek, D.T.L. (2005). Relations between social problem solving and indicators of interpersonal and family well-being among Chinese adolescents in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 71, 517-539.
- Streitmatter, J. (1993). Gender differences in identity development: An examination of longitudinal Data. *Adolescence*, 28 (109), 55-77.
- Takahashi, K., Ohara, N., Antonucci, T.C., & Akiyama, H.(2002). Commonalities and differences in close relationships among the Americans and Japanese. *International Journal of Behavior Development*, 26(5), 453-465.
- Triandis, H., C., & Suh, E. M. (2002). Culture influences on personality. *Annual Review of Psychology*, 53, 133-160.
- Vleioras, G., & Bosma, H.A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28(3), 397-409.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K.I. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.